

روایت مادران از آموزش مجازی فرزندان پایه اول در دوران همه‌گیری ویروس کرونا*

زهره قاسم زاده^۱، حسین افراسیابی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴)

چکیده

همه‌گیری ویروس کرونا در ایران مانند سایر کشورهای جهان تعطیلی کلاس‌های حضوری مدارس و پیگیری آموزش به صورت مجازی را به دنبال داشت. دانش‌آموزان مقطع ابتدایی برای استفاده از آموزش نیاز به همراهی والدین داشتند. این امر در مورد دانش‌آموزان پایه اول به دلیل نداشتن آشنایی قبلی با مدرسه و امور درسی، دشوارتر بوده و مسئولیت آموزش‌شان بر عهده مادران قرار گرفت که قرار بود علاوه بر نقش مادری، نقش معلمی را هم بر عهده بگیرند. پژوهش حاضر به بررسی روایت‌های این گروه از مادران در شهر کرمان با رویکرد کیفی و روش روایت‌پژوهی می‌پردازد. گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه روایی بوده و تحلیل به روش تحلیل تماتیک در نرم افزار مکس کیودا صورت گرفته است. پنج تم اصلی از داده‌های پژوهش به دست آمد که بازگوکننده روایت‌های مادران از این دوران است. این تم‌ها عبارتند از: حمایت ناقص اطرافیان، گران‌باری نقش، احساس فرسودگی مادران، پروبلماتیک فرزندان در آموزش مجازی و محاسن فراآموزشی.

واژه‌های کلیدی: آموزش مجازی، مادران، حمایت‌آموزشی، آموزش ابتدایی، کرونا

* مقاله علمی: پژوهشی

Doi: <https://doi.org/10.22034/JSS.2023.2007795.1781>

ghasemzadeh112@gmail.com

^۱. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.

hafrasiabi@yazd.ac.ir

^۲. دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.

مقدمه و بیان مساله

همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ و بیماری کرونا در ایران مانند بسیاری از کشورهای جهان باعث اعمال محدودیت‌هایی در سطح جامعه از جمله تعطیلی مراکز آموزشی از اسفندماه ۱۳۹۸ شد. در ابتدا به نظر می‌رسید که با تعطیلی چندماهه بتوان این مساله را مدیریت کرده و از مهرماه ۱۳۹۹ دانش‌آموزان در کلاس‌های درس خود حاضر شوند. اما با گسترش بیماری کرونا و بروز موج‌های متعدد که هر بار باعث ابتلای تعداد بیشتری از افراد جامعه می‌شد، این امر محقق نشد و همراه با شروع سال تحصیلی، با ایجاد شبکه آموزشی شاد و در کنار آن گروه‌های درسی در پیام‌رسان‌های مختلف، آموزش مجازی دانش‌آموزان به طور رسمی آغاز شد. از این میان، حضور والدین در کنار دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به دلیل مقتضیات سنی و تحصیلی ضروری بود. این حضور به خصوص برای دانش‌آموزان پایه اول به دلیل عدم آشنایی قبلی با مدرسه و امور درسی و تجربه یک همه‌گیری و مسأله بهداشتی اساسی در دوران تحصیل، ضروری‌تر و در عین حال همراه با مسائل بیشتری بود. گرچه دانش‌آموزان از ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۹ به صورت کوتاه و محدود در مدارس حضور داشتند اما از اول آبان‌ماه مدارس رسماً به صورت مجازی کار خود را ادامه دادند. کودکانی که سال قبل در مهدهای کودک یا مراکز پیش‌دبستانی به مدت ۵ ماه حضور داشتند، در این مقطع زمانی در منزل بدون برقراری ارتباط مستقیم با معلم، کادر مدرسه و سایر همکلاسی‌ها، تنها در کنار والدین و اکثراً مادران مشغول به آموزش بودند.

مادران که قبل از این دوره که دغدغه‌ها و مسائل خاص خود را داشتند، مسائل جدیدی مانند: شستشو و نظافت بیشتر از قبل، ضدعفونی کردن، توجه به رعایت اصول بهداشتی توسط اعضای خانواده به ویژه فرزندان کوچک‌تر و بار آموزش فرزندان نیز بر عهده‌شان قرار گرفت، مادرانی که معلمان بدون آموزش بودند. علاوه بر این، توجه به اوقات فراغت فرزندان که تمام وقت در منزل حضور داشته و امکان ارتباط و تعامل با سایرین همچون گذشته برایشان فراهم نبود؛ باعث تغییر در زندگی خانوادگی به ویژه برای مادران شده و فراغت کمتری برای رسیدگی به امور شخصی خود پیدا کردند. در ماه‌های ابتدایی به منظور آشنایی با درس و فضای درسی، مادران مدت زمان بیشتری در کنار فرزندان حضور داشتند زیرا علاوه بر شرکت در کلاس‌های آنلاین، تمرین محتواهای آموزشی ارسال شده توسط معلم، ارسال تکالیف در ساعت مشخص و دریافت بازخورد بر عهده مادران قرار داشت. این کار به طور متوسط ۴ تا ۵ ساعت از وقت مادر را

به خود اختصاص می‌داد.^۱ تشویق و قانع کردن فرزند برای همراهی و انجام تکالیف، مدیریت زمان، توجه به سطح یادگیری و توان فرزند، داشتن انرژی و توان کافی برای انجام تکالیف و خستگی ناشی از آن به خودی خود زمان‌بر بوده و مادر می‌بایست این امور را مدیریت می‌کرد. علاوه بر آن، مادرانی که بیش از یک دانش‌آموز داشتند با مسائل دیگری نیز مواجه شدند.

بنابراین **آموزش مجازی** فرزندان زندگی والدین به خصوص مادران را تحت تاثیر خود قرار داد. این که چه تأثیراتی در زندگی مادران داشته و چه مسائل و مشکلاتی را برای آنان ایجاد نموده است، نحوه مدیریت کردن این مسائل و نقش سایر اعضای خانواده در همراهی و کمک به مادر، نیازمند بررسی دقیق و گفتگو با مادرانی بود که این تجربه را داشته‌اند. هدف این مطالعه روایت‌پژوهی، «فهم تجربیات مادران از تأثیر **آموزش مجازی** فرزندان پایه اول بر تغییر زندگی‌شان در دوره کرونا و چالش‌های مرتبط با آن» از نظر مادران مدرسه معلم شهر کرمان است. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌های مادران از تأثیر **آموزش مجازی** فرزندان پایه اول بر زندگی‌شان و چالش‌های آموزشی مرتبط با فرزندان در دوران همه‌گیری ویروس کرونا می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در مورد چالش‌ها و تحولاتی که در دوره شیوع ویروس کرونا در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی رخ داده مطالعات متعددی انجام شده است که در ادامه به اختصار مرور می‌شود. پژوهش بهمنی، باقری و پیرک (۱۴۰۱) در زمینه واکاوی تجارب معلم‌ها و دانش‌آموزان پیرامون آموزش مجازی در بستر شبکه شاد نشان می‌دهد که پارادایم ظهوریافته شامل سه بعد کنش، تعامل‌ها و پیامدهاست. در بُعد شرایط شامل تعطیلی مدارس به دلیل گسترش ویروس، اجباری شدن آموزش برخط، غفلت از روش تدریس برخط در برنامه درسی تربیت معلم، چالش فرهنگی‌ها برای ضبط صدا و تصویر در خانه، شکاف دانش والدین و محتوی کتب دانش‌آموزان؛ در بُعد کنش، تعامل شامل چالش خانواده در تأمین تجهیزات مجازی، چالش تأمین هزینه بسته‌های اینترنت، گریز مستمر دانش‌آموزان از شبکه شاد به سایر شبکه‌های اجتماعی، و در بعد پیامدها شامل یادگیری پایین، تغییر کیفیت تعامل دانش‌آموز و معلم در کلاس برخط می‌باشد.

^۱ این بخش حاصل گفتگوهای پژوهشگر با مادران در فضای مدرسه در روزهایی که فرزندان خود را به مدرسه می‌آوردند و همچنین ارتباط با مادران در فضای مجازی است.

پژوهش ابراهیمی و دهقانی (۱۳۹۹) به چالش‌ها و فرصت‌های آموزش مجازی در سه محیط شاد، واتساپ و مدرسه تلویزیونی پرداخته‌اند، از جمله چالش‌ها در شاد، مشکل در نصب اولیه و قابل نصب نبودن در تمامی سیستم‌ها و مشکل آپلود فایل‌ها، در واتساپ، مسائل فردی، اولیا، معلمان و نحوه ارزشیابی و مسائل اخلاقی، در مدرسه تلویزیونی: عدم هماهنگی سرفصلها، تفاوت روشهای تدریس و یک‌سویه بودن تدریس است.

کولاک و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان می‌دهند که دانش‌آموزان پایه اول تا چهارم به دلیل سن و سطح سواد نیاز به کمک والدین برای رسیدن به نتایج مطلوب آموزشی داشتند و والدین نقش یک معلم جایگزین یک شبه را بر عهده گرفته‌اند. براساس نتایج پژوهش پوزاس و همکاران^۲ (۲۰۲۱) والدین علی‌رغم چالش‌های پیش‌رو، وقت بیشتری را با فرزندان خود سپری کردند. دانش‌آموزان دبستانی ارتباط اجتماعی‌شان قطع شده و علی‌رغم تفاوت بین سیستم‌های آموزشی و شرایط زندگی، آموزش در خانه چالش‌هایی به همراه داشته و هیچ فناوری، قادر به جایگزینی تعامل چهره به چهره و احساسات موجود در کلاس نیست. طبق نتایج پژوهش کوسکلا و همکاران^۳ (۲۰۲۰)، والدین نگران یادگیری و راحتی فرزندان‌شان و مدیریت زندگی روزمره و استفاده از اطلاعات و فناوری ارتباطات بودند. مدارس و معلمان به عنوان شبکه‌هایی در حمایت از پایداری خانواده در هنگام تغییرات سریع اهمیت دارد. سه مضمون محوری پژوهش هامانی^۴ (۲۰۲۰)، عبارت بود از: تاثیر کووید-۱۹ در یادگیری دانش‌آموزان، پشتیبانی مدارس از دانش‌آموزان و استراتژی‌های مورد استفاده مراقبان یادگیری در خانه برای حمایت از دانش‌آموزان. کالارکو (۲۰۲۰) نشان می‌دهد زنان شاغل به دلیل فشارهای کاری و خانوادگی، برای مراقبت از فرزندان خود اضطراب بیشتری را متحمل می‌شوند. سایر مسائلشان شامل: مشکلات با همسر، از دست دادن شغل، فشار کارهای منزل، مراقبت از کودکان، بیماری و مسائلی که با عنوان ناکامی از آن نام برده می‌شود.

پژوهش شانا لی (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد نیمی از والدین احساس مسئولیت در مورد آموزش فرزندان‌شان در خانه را بیش از حد احساس می‌کنند و از هر چهار نفر یک نفر احساس می‌کند منابع لازم برای آموزش در خانه را ندارند. از هر پنج والدین دو نفر معیارهای افسردگی اساسی و

¹ Kolak et al.

² Marcela et al.

³ Koskela et al.

⁴ Bhamani et al.

معیارهای اضطراب متوسط یا شدید را داشتند. نتایج پژوهش آمانور فوآفو و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد والدین با وضعیت اقتصادی - اجتماعی بالاتر در مقایسه با والدین دارای وضعیت پایین، آمادگی بیشتری برای کمک به کودکان در آموزش الکترونیکی در دوران همه‌گیری ویروس کرونا دارند. آمادگی فنی، آمادگی اقتصادی اجتماعی، حمایت دولت و پشتیبانی مدرسه در کمک و همراهی والدین به فرزندان‌شان موثر می‌باشد. پژوهش نویانتی و گارزیا^۲ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که مشارکت والدین در نظارت بر فرزندان در زمان مطالعه ۸۱،۷٪ است، نقش والدین در همراهی کودکان در یادگیری ۸۰،۴٪ است، نظارت بر زمان مطالعه کودکان ۷۱،۸٪ است، تشخیص مشکلات یادگیری کودکان ۶۹٪ و امکانات یادگیری ۶۴،۸٪ است. پتس و همکاران^۳ (۲۰۲۰) نشان می‌دهند همه‌گیری ویروس کرونا بر روی اشتغال زنان، به دلیل مراقبت و نیازهای آموزشی فرزندان تأثیر منفی گذاشته است. پژوهش گاربه و همکاران^۴ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد بسته شدن فیزیکی مدارس، مسئولیت بیشتری را برای یادگیری به عهده والدین و سرپرستان می‌گذارد و مهمترین مفاهیم تجربه‌شده توسط والدین شامل: مشکل متعادل‌سازی مسئولیت‌ها، انگیزه یادگیرنده، قابلیت دسترسی و نتایج یادگیری است. دونگ و همکاران^۵ (۲۰۲۰)، نشان می‌دهند والدین به طور کلی اعتقادات منفی در مورد ارزش‌ها و مزایای یادگیری آنلاین داشتند و یادگیری سنتی را در اوایل دوران کودکی ترجیح می‌دادند. اجرای آموزش آنلاین در دوران پاندمی به دلیل عدم آموزش والدین و عدم آمادگی پذیرش آموزش آنلاین برای خانواده‌ها چالش برانگیز بوده است.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد والدین با وجود تمامی مشکلات و دغدغه‌های خود تمام تلاش‌شان را به کار گرفتند تا در آموزش مجازی فرزندان‌شان را همراهی کنند. این همراهی به دلیل مقتضیات سنی فرزندان پایه ابتدایی بوده است. علاوه بر این والدین از این که مهارت یاددهی و آموزش به فرزند خود را ندارند دچار مشکلاتی بوده و نیازمند حمایت و کمک مدارس در این زمینه می‌باشند. پژوهش حاضر به تجربیات مادران در زمینه آموزش مجازی و تغییراتی که در زندگی آنها به واسطه این امر اتفاق افتاده است، می‌پردازد؛ مساله‌ای که در پژوهش‌های انجام شده به آن پرداخته نشده است.

¹ Naa Kai Amanor-Mfofo et al.

² Novianti, Ria; Meyke, Garzia

³ Richard J. Petts et al.

⁴ Garbe et al.

⁵ Chuanmei Dong et al.

ملاحظات نظری

مرور ادبیات نظری موضوع پژوهش به عنوان دانش زمینه‌ای به پژوهشگر کمک می‌نماید. آن گونه که فلیک می‌گوید: "در تحقیق کیفی شما از اطلاعات و بصیرت‌های مأخوذ از ادبیات موجود به منزله دانش زمینه‌ای استفاده می‌کنید تا در بستر این ادبیات به مشاهدات و گزاره‌های تحقیق‌تان نظر کنید یا می‌توانید پس از مرحله اولیه اکتشافی یا مرور ادبیات به تفاوت برداشت اولیه و بعدی‌تان پی ببرید" (فلیک، ۱۳۹۰: ۶۵). بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به هدف، نظریه‌های مرتبط با پژوهش آورده شده است.

نقش‌پذیری (نقش‌گیری) مید: دیگری تعمیم‌یافته نوعی کلیت‌پذیری در فرایند نقش‌پذیری است. افراد در این مرحله از تکوین خود نگرش کل اجتماع یا به تعبیر مید، «دیگری تعمیم‌یافته» را برمی‌گزینند. در این مرحله فرد، نه تنها خود را با دیگران مهم، بلکه با نگرش جامعه، اجتماع یا گروه، به مثابه یک کل، تصور می‌کند. دیگری تعمیم‌یافته را نباید یک فرد دانست، بلکه آگاهی هوشیارانه فرد است از جامعه‌ای که او جزئی از آن است ... آگاهی از دیگری تعمیم‌یافته وارد ذهن فرد می‌شود و بر نحوه عمل وی در موقعیت‌های خاص تأثیر می‌گذارد. از این طریق، دیگری- تعمیم‌یافته بر رفتار فرد کنترل اعمال می‌کند (دیلینی، ۱۳۹۹: ۲۷۱-۲۷۲). به عبارت دیگر؛ نقش‌گیری یعنی پیش از اجرای نقش معنای آن را فهمیدن، بر اساس آن معانی نقش یا نقش‌های مقابل، یعنی شبکه‌ی سازمان تقسیم اجتماعی کار متناسب را به شمار آوردن، نتایج احتمالی انجام‌دادن یا ندادن نقش را در موقعیت سنجیدن و سرانجام دست به عمل زدن و در تمامی احوال با خود مشورت کردن (تنهایی، ۱۳۹۸: ۶۸).

منش یا عادت‌واره: به نظر بوردیو، منش مجموعه‌ای از قابلیت‌هاست که فرد در طول زندگی خود، آن‌ها را درونی و به طبیعت ثانویه خویش تبدیل می‌کند؛ به نحوی که بدون آن‌که لزوماً آگاه باشد، بر اساس آن‌ها عمل می‌کند. منش به معنای درونی‌کردن ساختارهای بیرونی و بازتولید آن‌هاست. به عبارت دیگر، منش ذهنیت اجتماعی شده و درونی‌شده است. منش نتیجه نوعی یادگیری است که به صورت ناخودآگاه درآمده و به شکل استعداد در فرد جلوه می‌کند (دورتیه، ۱۳۸۱: ۲۲۹؛ به نقل از ذوالفقاری: ۱۳۹۹). منش تولیدکننده کنش‌هاست، در حالی که خود محصولی تاریخی و اجتماعی است؛ ولی نه به معنای کاملاً جبری آن. منش به طور غیرمکانیکی به رفتارهای عیناً مطابق با منطق میدان اجتماعی مربوط، شکل می‌دهد. این رفتارها جواز خود را از این منطق می‌گیرند و بنابراین با توجه به همین منطق محدود می‌شوند. عاملان

به دلیل همین منش‌هایی که دارند، به خودی خود انتخاب‌های خود را محدود می‌کنند؛ بی‌آنکه نیازی به محاسبه‌ای برای این کار داشته باشند. در واقع کنشگر از طریق منش به ادراک و داوری می‌پردازد و در جهان پیرامون خود عمل می‌کند. منش، شرایط اجتماعی، امکانات و محدودیت‌ها را در شخص درونی می‌کند و رفتار فرد در اجتماع را شکل می‌بخشد؛ و لذا «ساخت‌دهنده» است و از سوی دیگر، میانجی بین تجربه‌های گذشته و محرک‌های کنونی است و لذا ساختمانند نیز هست (استونز، ۱۳۹۶: ۳۳۴). به این ترتیب بورديو ساختارهای اجتماعی عینی را در تجربه ذهنی کنشگران تئوریزه می‌کند. جذب این ساختارها در ذهن کنشگر باعث می‌شود که وی مطابق همان ساختارها در میدان‌های مختلف عمل کند و در نتیجه رابطه‌ای دو سویه و دیالکتیکی بین عین و ذهن شکل بگیرد.

نظریه طرحواره جنسیتی: ساندرز (۱۹۸۱) معتقد است کودکان به طور فعالانه گروه-بندی ذهنی مردانه و زنانه را رشد می‌دهند، یعنی بچه‌ها به طور فعالانه اطلاعات درباره افراد دیگر و رفتار و فعالیت‌ها و نگرش‌های مناسب با گروه جنسیتی را سازمان می‌دهند. (هاکنبری و هاکنبری، ۲۰۰۴: به نقل از نیازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۳). فرهنگ جامعه با انتقال طرحواره‌ها به افراد نشان می‌دهد که چه نقش‌هایی را در جامعه باید عهده‌دار شوند و چه مهارت‌هایی باید داشته باشند (هاکنبری و هاکنبری، ۲۰۰۴: به نقل از نیازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶). بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتار خاص و حالات روانی خاص هستند و در نهایت قابلیت انجام دادن وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوت هستند (اعزازي، ۱۳۸۰: ۴۵؛ به نقل از نیازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶). بنابر نظر میشل کلیشه‌های جنسیتی را می‌توان در چهار دسته کلیشه‌های شخصیت، کلیشه‌های نقش در خانواده، کلیشه‌های نقش سیاسی و اجتماعی و کلیشه‌های نقش حرفه‌ای قرار داد. مطابق نظریه طرحواره جنسیت، افراد کلیشه‌های جنسیتی را بر اساس هویت جنسیتی خود می-آموزند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۴).

نظریه حمایت اجتماعی: حمایت از طریق فرایند تعاملی اتفاق می‌افتد و می‌تواند با احساس نوع دوستی، احساس وظیفه و ادراک متقابل ارتباط داشته باشد. حمایت اجتماعی دارای دو جهت گیری می‌باشد: حمایت دریافت شده و حمایت فراهم شده (ریاحی و همکاران: ۱۳۸۹: ۸۹). رایج‌ترین انواع حمایت اجتماعی شامل سه مقوله زیر می‌باشد:

الف. حمایت اجتماعی عاطفی: به معنی در دسترس داشتن فردی برای تکیه کردن و اعتماد داشتن به وی، به هنگام نیاز می باشد.

ب. حمایت اجتماعی ابزاری: به کمک های مادی، عینی و واقعی دریافت شده توسط یک فرد از سوی دیگران اطلاق می گردد. این نوع حمایت به افراد کمک می کند تا نیازهای روزانه خود را تأمین نمایند و شامل عناصری از کمک های مادی و عینی نظیر قرض دادن پول، کمک کردن در نظافت منزل و ... است (درنتا و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹).

ج. حمایت اجتماعی اطلاعاتی: به دست آوردن اطلاعات ضروری از طریق تعامل های اجتماعی با دیگران را حمایت اطلاعاتی تعریف کرده اند (گاچل و دیگران، ۱۳۷۷؛ به نقل از همان).

با توجه به مطالب این بخش می توان چارچوب مفهومی پژوهش را به این صورت مطرح نمود که زنان بر طبق آن چه که به طور معمول از آنان انتظار می رفته است وظایف مادری، حمایت و مراقبت از فرزندان، وظایف خانه داری و ... را در خانواده قبل از این دوره بر عهده داشته اند و طبق انتظاری که در این دوره خاص از آنان وجود داشته وظیفه آموزش و همراهی با فرزند و به طور کلی بار آموزشی فرزندان نیز بر عهده آنان قرار گرفته است. این مساله که چگونه مادران این نقش جدید را پذیرفته اند، با چه چالش هایی مواجه بوده اند، چگونه آنها را مدیریت کرده و چه حمایت هایی دریافت نموده اند، مسائلی است که مدنظر این پژوهش بوده است.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی بوده و در قالب روایت پژوهی^۱ انجام شده است. روایت، متنی گفتاری یا نوشتاری است که حاکی از یک رویداد و اقدام یا مجموعه ای از رویدادها و اقدامات است که پیوندی تقویمی با هم دارند (کرسول، ۱۳۹۴: ۷۴). روایت ها یا داستان های افراد به نوعی برساختی واقع گرایانه از خود و جهان اجتماعی است و از این رو به راحتی می توان با تحلیل آن ها به تولید و بازتولید این جهان ها و نظام های معنایی کنشگران دست یافت. از این منظر مردم تجربه ها، احساسات و عاطفه ها، باورها و ذهنیت ها و معانی مورد نظر خود را در قالب های روایتی یا داستانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بازگویی یا بازنمایی می کنند و از این رو می بایست به این روایت ها و داستان ها به سان نظریه های واقعی یا حتی واقعیت های

¹ Narrative research

واقع‌گرایانه نگرینست و با تحلیل آن‌ها به این واقعیت‌ها و تجربه‌های زیستی کنشگران اجتماعی رسید (میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۰۷۰).

سه داعیه اصلی رهیافت روایت‌پژوهی عبارتند از:

۱. انسانها تجربیات خود از جهان پیرامونشان را در روایت‌ها سازماندهی می‌کنند.
۲. از نظر پژوهشگران روایت، داستان‌هایی که گفته می‌شود، به تجربیات گذشته و حال آن‌ها و به ارزش‌های مشارکت‌جویان مرتبط است.
۳. سومین مدعا، که ارتباط وثیقی با مدعای دوم دارد، چندصدایی بودن روایت‌هاست. (موون، ۲۰۰۶؛ به نقل از آقابایی و همتی، ۱۳۹۵: ۵۱).

بنابراین برای بررسی تغییرات زندگی مادران و چالش‌های مرتبط با آن، به واسطه آموزش مجازی فرزندان‌شان در دوران همه‌گیری کرونا از روایت‌پژوهی استفاده شده است. استراتژی نمونه‌گیری، هدفمند بوده و از دو نوع نمونه‌گیری در دسترس و نظری استفاده شده است. پنج نفر از مادرانی که تجربه آموزش مجازی فرزندان پایه اول را داشته و حاضر به مصاحبه و در اختیار قرار دادن تجربیات خود بوده، انتخاب و به روش مصاحبه روایی اطلاعات گردآوری شد. در مصاحبه از مشارکت‌کنندگان درخواست شد آن چه که در سال تحصیلی جاری تجربه کرده و تغییراتی که در زندگی‌شان اتفاق افتاده است را به ترتیب زمانی از ابتدا بیان نمایند و پس از اتمام، پژوهشگر سوالات تکمیلی خود را مطرح نمود تا به پاسخ سؤالات پژوهش دست یافته و یک روایت کامل شکل بگیرد. جهت تکمیل نکات مطرح شده در مصاحبه اول و ابعاد نامفهوم، مصاحبه‌های بعدی با مشارکت‌کنندگان انجام شد و حداقل دو مصاحبه با هر کدام انجام شد.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد. به منظور فهم تجربه‌های متفاوت از پدیده، دو نفر از مادران خانه‌دار و سه نفر شاغل برای مشارکت در پژوهش انتخاب شدند.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

نام ^۱	سن	وضع فعالیت	تحصیلات	تعداد فرزند	شغل همسر
ویدا	۲۸	کارمند کتابخانه	لیسانس	۳	کارمند
زهره	۳۶	کارمند مخابرات	لیسانس	۳	دامپزشک
طیبه	۴۲	حسابدار شرکت خصوصی	لیسانس	۲	شغل آزاد
فریده	۲۹	خانه‌دار	دیپلم	۲	شغل آزاد
مریم	۳۱	خانه‌دار	لیسانس	۲	شغل آزاد

^۱ برای حفظ حریم خصوصی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، از اسامی مستعار استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل تماتیک استفاده گردید. ابتدا متن تمامی مصاحبه‌ها در نرم افزار وورد تایپ و سپس تحلیل داده‌ها انجام شد. «اولین گام تحلیل عبارتست از حذف تمامی عبارت‌های غیرروایی و سپس، تقطیع متن روایی «پالایش شده» به منظور تحلیل صوری آن» (فلیک، ۱۳۹۰: ۳۶۹). سپس مصاحبه‌های مورد نظر پس از مرور و نهایی‌شدن، به نرم‌افزار مکس-کیودا^۱ منتقل شد. جهت تحلیل داده‌ها ابتدا، کدهای اولیه در نرم‌افزار ساخته و ویرایش گردید. پس از آن پژوهشگر تم‌ها را جستجو کرد. «تم یک الگوست که چیز مهم یا جالب توجهی را در مورد داده‌ها یا سؤال پژوهش دربردارد. براساس توضیح براون و کلارک (۲۰۰۶) قوانین محکم و روشنی در مورد این که چه چیزی یک تم را می‌سازد، وجود ندارد. یک تم با اهمیت آن مشخص می‌شود» (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۶). پس از بررسی تم‌ها، در نهایت تم‌های اصلی در نرم‌افزار تعریف شده و پس از بررسی نهایی برای ارائه گزارش به نرم‌افزار ورد منتقل گردید.

اعتبارپذیری: دومورد که اعتبار روایت‌پژوهی را تهدید می‌کند عبارتند از: ۱. تفاوت در معنای تجربه‌شده توسط افراد و داستان‌هایی که درباره این معنا می‌گویند. ۲. ارتباط میان متن‌های داستان و تفسیرهای آن متن‌ها، از آنجا که پژوهشگر با مادران حاضر در پژوهش از شهریورماه ۱۳۹۹ در ارتباط بوده و در گروه‌های آموزشی مدرسه تعاملاتی برقرار نموده، بنابراین اعتماد متقابل بین پژوهشگر و شرکت‌کنندگان شکل گرفته بود. همچنین جهت اعتباریابی کار پس از تدوین گزارش، روایت‌نهایی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفته و نظرات آنها اعمال شد.

ملاحظات اخلاقی: قبل از انجام مصاحبه، طی تماس تلفنی با مشارکت‌کنندگان، در مورد عنوان پژوهش و اهداف آن توضیح داده شد و اینکه صرفاً یک کار علمی انجام خواهد شد و هیچ گونه تبعات منفی برای آنان به همراه نخواهد داشت. بنابراین از آنان خواسته شد در صورتی که رضایت دارند در این پژوهش مشارکت داشته باشند. همچنین به افراد اطمینان داده شد که مشخصات فردی و فایل‌های صوتی مصاحبه آنان به هیچ‌وجه منتشر نخواهد شد. در ثبت داده‌ها و نقل قول‌ها نیز از نام مستعار استفاده گردید.

¹ MAXQDA

یافته‌های پژوهش

پس از شنیدن روایت‌های مادران پیرامون آموزش تحصیلی فرزندان‌شان در دوره شیوع ویروس کرونا، صحبت‌ها و نظرات آنها در قالب ۵ تم اصلی دسته‌بندی شد که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- مفاهیم و تم‌های مستخرج از داده‌ها

تم اصلی	تم‌های فرعی	کدهای اولیه
حمایت ناقص اطرافیان	نقش همسر، حمایت آموزشی و غیر آموزشی	عدم دقت و وسواس همسر، ارتباط کلامی محدود، حضور محدود در منزل، نیاز همسر به آرامش، عدم حمایت در آموزش، درخواست عدم دخالت در آموزش، حمایت کلامی موقت، کمک موقت همسر، عدم دریافت کمک مورد انتظار در کارهای منزل، نگهداری از فرزندان، حمایت در زمان بیماری، عدم مسئولیت‌پذیری اطرافیان، دیدگاه انفعالی اطرافیان نسبت به آموزش، پیشنهاد تاخیر در آموزش، درخواست کمک‌موقت از سایرین، عدم درک اطرافیان، حمایت و همراهی موقت فرزند بزرگتر و عدم امکان حمایت کامل توسط فرزند بزرگتر
گرانباری نقش	شغل خارج از منزل، خانه‌داری، نقش مادر معلم	عدم اعمال قرنطینه، کار طاقت‌فرسا در محیط کار، موقعیت شغلی انعطاف‌پذیر، ساعات کاری بیشتر در منزل، مراقبت از سلامتی اعضای خانواده، مراقبت از فرزندان، رسیدگی به امور منزل، متعادل‌سازی خانه-داری و معلمی، نیازهای آموزشی سایر فرزندان، نیازهای آموزشی ویژه پایه اول، مشورت با سایر مادران، جستجوی روش‌های آموزشی خلاقانه، مشابه‌سازی فضای منزل، ساده‌گرفتن سایر مسائل به نفع آموزش، همراهی معلم، تداوم مسئولیت در تابستان، جدیت در آموزش، دشواری آموزش پایه اول برای مادر و فرزند، عدم همکاری فرزند، تحمیل مسئولیت آموزش، نداشتن وقت کافی، کیفیت و اهمیت نقش مادر، تاثیر جو منزل بر نقش مادر، اولویت دادن به آموزش فرزند، ضعف مهارت یاددهی و استفاده از مشوق‌های کلامی و جایزه
فرسودگی مادران	مضيقه فراغت، تحلیل انرژی	محدودکردن ارتباطات، عدم امکان شرکت در فعالیتهای فراغت‌ساز، حضور تمام وقت فرزندان در منزل، تعلیق انجام فعالیتهای مشترک، ضعف تمرکز جهت انجام فعالیتهای مورد علاقه، نداشتن وقت مختص به خود، تلاش برای حفظ آرامش، حس منفی، استرس، مختل شدن زندگی، عصبانیت و خشونت کلامی، لبریز شدن تحمل، احساس درماندگی، انجام فعالیتهای فوق توان، عدم استراحت کافی و خستگی از مسئولیتهای متعدد

تم اصلی	تم‌های فرعی	کدهای اولیه
پروبلماتیک فرزندان در آموزش مجازی	تغییر محیط و شیوه یادگیری، تعلیق تعاملات اجتماعی - عاطفی، عوارض جسمی - روحی	تاخیر حضور در کلاس مجازی، سردرگمی درسی فرزند، جایگزینی تلفن همراه به جای تعاملات، دشواری آموزش آنلاین، تاخیر در انجام تکالیف، وابستگی به مادر، تعلیق حضور در مدرسه و آموزش حضوری، عدم یادگیری در کلاس آنلاین، تعمیق کمتر یادگیری به دلیل عدم تکرار، اختصاص زمان کوتاه‌تر از مدرسه برای آموزش، عدم نتیجه مطلوب مانند مدرسه، تعلیق ارتباط مستقیم با همسالان، ضعف در مهارت‌های اجتماعی، عدم ارتباط با کادر مدرسه و دوستان، نداشتن برنامه برای اوقات فراغت، عدم تحرک کافی، کاهش انگیزه یادگیری و خستگی زودهنگام، عدم تمرکز و ناراحتی
محاسن فراآموزشی	درک اهمیت دوران قبل، محاسن عدم حضور در مدرسه، بهبود کیفیت ارتباط در خانواده، نداشتن نگرانی ابتلا به بیماری	پی‌بردن به اهمیت نقش معلم، قدردان بودن نسبت به شرایط قبل، بیشتر خوابیدن فرزندان در صبح، عدم رفت‌وآمد فرزندان در زمستان، عدم تحمیل هزینه رفت‌وآمد به مدرسه، عدم نگرانی رفت‌وآمد فرزندان، حضور همسران و فرزندان در منزل، صرف وقت بیشتر برای فرزند، ارتباط نزدیک‌تر مادر و فرزند، عدم استرس ابتلا به بیماری در مدرسه و عدم نگرانی ابتلا به دلیل حضور اعضای خانواده در منزل

حمایت ناقص اطرافیان

حمایت در اصطلاح به معنی پشتیبانی است. می‌توان حمایت را یک فرایند تعاملی در نظر گرفت که همراه با احساس نوع دوستی، احساس وظیفه و ادراک متقابل است و این که انسان، فردی را داشته باشد که در مواقع ضروری بتواند به او تکیه کرده و کمک مورد نیاز را دریافت نماید. نقص در حمایت به معنی عدم دریافت کامل حمایت است که در مورد مادران مشارکت‌کننده، حمایت مورد انتظار خود را از اطرافیان به ویژه همسر دریافت نکرده‌اند. مادران نیاز داشتند که در انجام کارهای مربوط به منزل و آموزش فرزندان حمایت دریافت کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در امر آموزش، پدر خانواده دقت و وسواس مادر را نداشته و مادر علاوه بر عدم دریافت حمایت، مورد سرزنش هم قرار گرفته است. در اغلب موارد همسران حضور کوتاهی در منزل داشته و در این زمان محدود نیاز به آرامش داشته و حتی ارتباط کلامی محدودی با مادر داشته‌اند. تنها یک نفر از مادران اظهار داشته که همسر قدردان آموزش فرزندان بوده و در امور منزل کمک‌های جزیی و موقتی کرده است.

ویدا: «اوایلش اعصاب‌خرد بود و من دیگه خسته می‌شدم و تحمل نداشتم، همسرم یه وقتایی کمک می‌کرد ولی وسواس و دقت منو نداشت».

مریم: «همسرم که اصلا خبر نداره بچه کدوم درسه و داره چی می‌خونه. چون اصلا خونه نیست وقتایی هم هست این قدر خسته است که حال نداره ببینه ما چه کار می‌کنیم». حمایت غیرآموزشی شامل تمام موارد غیرآموزشی است که بر عهده مادر قرار دارد. در زمینه حمایت‌های غیرآموزشی به طور خاص مادران همکاری بسیار کمی در انجام کارهای منزل دریافت کردند و تنها در هنگام بیماری مورد حمایت اعضای خانواده خود قرار گرفته‌اند.

طیبه: «یه وقتایی که با بچه کار می‌کردم و نمی‌تونست درست درسشو بخونه همسرم عصبانی می‌شد با بچه دعوا می‌کرد که تو هیچی یاد نگرفتی، با منم دعوا می‌کرد که چطوری با بچه کار کردی که هیچی بلد نیست و این‌طوری بیشتر اعصاب من و بچه رو به هم می‌ریخت».

مریم: «اوایل هفته‌ای دو بار باید پسر من می‌رفت مدرسه، بیشتر شبها خونه پدرم می‌موندیم که صبح پسر من کوچکم خوابه مادر من مراقبش باشه که من این یکی رو بیارم مدرسه»

حمایت آموزشی را می‌توان کمک به آموزش فرزند در نظر گرفت. این که افرادی غیر از مادر در زمینه درس و انجام تکالیف کمک نموده باشند. در این زمینه که اصلی‌ترین حمایت مورد انتظار مادران بوده است، اطرافیان علاوه بر عدم حمایت مادر در آموزش، نسبت به آموزش دیدگاه انفعالی داشته و حتی پیشنهاد می‌کردند که فرزند را یکسال با تاخیر به مدرسه بفرستد، با این که مادر در برخی موارد درخواست حمایت و کمک در امر آموزش فرزند داشته است، تنها در موارد معدودی فرزندان بزرگتر کمک نموده‌اند اما به طور کلی اطرافیان شرایط مادر و نگرانی او را جهت آموزش موثر فرزند درک نکرده و جدی نگرفته‌اند.

زهرا: «خودش (همسرم) دوست داشت یه وقتایی با بچه کار کنه ولی می‌دیدم حوصله نمی‌کنه خوب باهاش کار کنه و تکلیف بچه رو براش انجام میده، وقتی هم اعتراض می‌کردم می‌گفت حالا این که نمی‌خواد پروفیسور بشه هزار بچه راحت باشه به منم می‌گفت زیاد سخت بگیر هم خودت پیر میشی هم بچه رو اذیت می‌کنی»

مریم: «اوایل که هنوز زیاد راه نیفتاده بود زیاد می‌رفتیم خونه مادر من، پدر من معلم بازنشسته است یه وقتایی می‌گفتم برو پیش بابا بزرگ درساتو باهات کار کنه ولی

می‌دیدم هیچ کس مثل خودم باهانش کار نمی‌کنه یا این که خانوادم می‌گفتن بچه رو ول کن این قدر اذیتش نکن، اصلاً بزار سال بعد بره کلاس اول».

گرانباری نقش

گرانباری نقش به معنی تراکم و انباشتگی نقش‌هاست که فراتر از حد توان افراد باشد. در این پژوهش گرانباری نقش مادران به معنی اضافه‌شدن مسئولیت جدید آموزشی به مسئولیت‌های قبلی اوست. علاوه بر نقش‌های قبلی در منزل و محل کار، نقش معلمی با تمامی چالش‌های مرتبط با آن اضافه شده بود. یکی از این نقش‌ها، مربوط به مادران شاغل است که برخی از آنان در محل کار خود با حجم زیادی از کار مواجه بوده و در زمان اعمال قرنطینه به دلیل موقعیت شغلی خاص خود، قرنطینه بر کار آنها اعمال نشده و در محل کار به طور دائم حضور داشتند اما گروهی از مشاغل شامل قرنطینه شده و کار آنان شامل دورکاری و یا تعطیلی موقت بوده است. این گروه از مادران زمان بیشتری را برای آموزش فرزندان‌شان و رسیدگی به سایر مسئولیت‌های خود در اختیار داشتند.

ویدا: «دغدغه‌هام بیشتر شده بود چون باید سر کار می‌رفتم بچه‌ها خونه بودن، نگران درس و مشق بچه‌ها بودم، البته به خاطر کارم شامل دورکاری شدم یه مدت که کلاً تعطیل بودیم بعدشم هفته‌ای سه روز سر کار می‌رفتم اما با این حال خیلی سخت بود»
زهرا: «من که کارمند مخابراتم کارم تعطیل نشد شامل قرنطینه نشدیم».

خانه‌داری وظیفه‌ای است که به طور سنتی بر عهده مادران قرار دارد. گرچه در این دوران خاص برخی از مادران کمک‌هایی را به طور موقت از اعضای خانواده در این زمینه دریافت کرده‌اند اما در کنار رسیدگی امور منزل و مراقبت از فرزندان، صرف ساعات بیشتر در منزل برای آموزش فرزند، مراقبت از سلامتی سایر اعضای خانواده به خصوص فرزندان کوچکتر در زمینه رعایت اصول بهداشتی، پیشگیری از بیماری و همچنین متعادل‌سازی بین مسئولیت‌ها بر عهده‌شان قرار گرفت که آنان به منظور صرف وقت بیشتر برای آموزش فرزندان از قبل برنامه ریزی کرده و در زمان خواب و استراحت فرزند خود بیشتر امور مربوط به منزل را انجام می‌دادند تا با تمرکز کامل به آموزش بپردازند.

طیبه: «قبلاً که از سر کار می‌آمدم خونه تا ساعت ۶ عصر کارای خونه تموم می‌شد ولی الان ۳-۴ ساعت به کارای من اضافه شده بود، به هر سختی بود سعی می‌کردم بعد از اتمام کارای درسی بچه‌ها به باقیه کارام برسم».

ویدا: «پسر کلاس اولی ساعت ۱۰ از خواب بیدار می‌شد روزایی که خونه بودم تا بیدار می‌شدم کارامو انجام می‌دادم ناهارو آماده می‌کردم بعد تکالیفی که باید تو دفتر می‌نوشت یا پرینت می‌گرفتم رو آماده می‌کردم تا بیدار می‌شد»

مهم‌ترین مسئولیتی که مادران در طول سال تحصیلی بر عهده داشتند و در طول تابستان هم برای تمرین و تکرار و آمادگی فرزندان برای پایه دوم تداوم دارد؛ نقش مادر-معلمی است. از نظر مادران مسئولیت آموزشی بر آنها تحمیل شد. علاوه بر این دانش‌آموزان به دلیل حضور محدود در ابتدای سال تحصیلی با فضای مدرسه و کادر آموزشی آشنایی پیدا نکرده در نتیجه ذهنیتی در مورد آن چه که در مدرسه باید انجام داد را ندارند. مادران ضمن تلاش برای آشناکردن فرزندان با فضای آموزشی، آموزش را همزمان پیش می‌بردند. در ابتدای سال تحصیلی عدم همکاری فرزندان، دشواری آموزش را برای مادر و فرزند دو چندان می‌کرد. با این حال اولویت مادران، آموزش بود. مادران شاغل وقت محدودتری برای آموزش فرزندان داشتند و ضعف مهارت یاددهی مادران این مساله را تشدید می‌کرد. مادران تلاش می‌کردند با سایر مادران، مشورت کنند، از مشوق‌های مختلف کلامی و خرید جایزه و جستجوی روش‌های خلاقانه آموزشی استفاده کرده تا بتوانند امر آموزش را پیش ببرند. البته باید مدنظر داشت که شرایط و جو منزل و ایجاد شرایطی که مادر آرامش داشته باشد و کیفیت نقش مادر در زمینه آموزش فرزندان به آنها کمک می‌نمود.

فریده: «مخصوصا با بچه کلاس اولی کارکردن خیلی سخته واقعا سروکله می‌خواد که باهاشون کار کنی و راشون بندازی، مخصوصا روزای اول که باید ۵-۶ ساعت وقت بگذاری تا راه بیفتن. زود خسته میشن»

ویدا: «خیلی سخت بود و هم خودش و هم من واقعا اذیت شدیم یه چیزیم هست اینکه ما مادرا فکر می‌کنیم بچه باید همون اول همه چیو یاد داشته باشه و شاید توقعمون خیلی زیاده، واقعا نمی‌تونستم درک کنم که به مرور بچه راه میفته».

احساس فرسودگی مادران

نقش مادری به ویژه در این دوران خاص با مسئولیت‌های پیوسته و فارغ از زمان و مکان که با استرس همراه بوده و به صورت تمام وقت در حال انجام مسئولیت‌های خود بوده، باعث کاهش انرژی او شده و همچنین فرصتی برای فراغت و انجام فعالیت‌های مورد علاقه خود ندارد، به تدریج موجب فرسودگی او می‌شود. مضيقه فراغت به معنی نداشتن اوقات فراغت می‌باشد. در این

دوران خاص ادران به دلیل آموزش فرزندان ارتباطات خود را محدود کرده، امکان حضور در فعالیت‌های فراغت‌ساز را ندارند. فرزندان به طور تمام وقت در منزل حضور دارند، حتی با فرزندان هم نمی‌توان فعالیت‌های مشترک قبل از این دوران مانند پیاده‌روی و خرید را انجام داد، مادران زمانی را مختص به خود ندارند و اگر هم این زمان اندک برایشان فراهم شود، به دلیل درگیری‌های فکری آموزش فرزندان، تمرکز انجام فعالیت مورد علاقه خود را در منزل ندارند.

ویدا: «قبل از شروع مدرسه‌ها باشگاه ورزشی می‌رفتم قبل از کرونا هم برنامه همین

بود اما از وقتی که مدرسه‌ها شروع شد دیگه فرصتی نمی‌مونه که بخوام ورزش کنم»

زهره: «انگار یه مدت زمان طولانی به کارای من اضافه شده بود، از وقت استراحت و

خوابم باید می‌زدم تا به همه کارام برسم و دیگه وقت آزادی نداشتم».

تحلیل انرژی به معنی نداشتن انرژی کافی و احساس خستگی مداومی است که افراد تجربه می‌کنند. در این مورد خاص مادران به دلیل استرس، حس منفی، احساس درماندگی در انجام مسئولیت‌های خود، لبریز شدن آستانه تحمل و عصبانیت و خشونت کلامی که از خود بروز می‌دهند و از سوی دیگر خستگی از وظایف متعدد، انجام فعالیت‌های فوق توان، عدم استراحت کافی و تلاش همزمان برای حفظ آرامش؛ به تدریج انرژی خود را از دست می‌دهند.

مریم: «یه وقتایی خودمم خسته می‌شدم و می‌گفتم خدا یا چه کار کنم که این بچه

یاد بگیره و درسش خوب بشه»

زهره: «بعضی وقتا فکر می‌کردم این همه توان از کجا میارم که بتونم به درس پسرمو

و اون دو تا بچه برسم».

پروبلماتیک فرزندان در آموزش مجازی

فرزندان در دوران آموزش مجازی با مشکلات و دشواری‌های زیادی مواجه بوده‌اند. مادران با توجه به رابطه نزدیک‌تر با فرزند این مسائل را تشخیص داده و به آن توجه نموده‌اند. این موارد را می‌توان در سه دسته تغییر محیط و شیوه یادگیری، تعلیق تعاملات اجتماعی-عاطفی و عوارض جسمی و روحی ذکر کرد. آموزش در منزل همراه با مسائل خاص خود، نشان از تغییر محیط یادگیری دارد و آموزش مجازی نمود تغییر شیوه یادگیری است اما مسائلی که همراه با این تغییر اتفاق افتاده است شامل تاخیر حضور در کلاس مجازی، سردرگمی درسی فرزند، جایگزینی تلفن همراه به جای تعاملات، دشواری آموزش آنلاین، تاخیر در انجام تکالیف، وابستگی فرزند به مادر، تعلیق حضور در

مدرسه و آموزش مجازی، عدم یادگیری در کلاس آنلاین، تعمیق کمتر یادگیری به دلیل عدم تکرار، اختصاص زمان کوتاه‌تر از مدرسه برای آموزش و عدم نتیجه مطلوب مانند مدرسه، است.

ویدا: «اصلاً نمی‌نشست خودش کاراشو انجام بده من باید حتما کنارش می‌نشستم به محض این که بلند می‌شدم به غدام سر بزنم یا به کاری مربوط به بچه کوچیکم انجام بدم اینم از جاش بلند می‌شد و نمی‌نوشت به جورایی عَلاَف بودم تا مشقاشو بنویسه و بفرستیم برای معلمش»

طیبه: «اون نتیجه مطلوبی که پسر من می‌تونست کنار دوستاش داشته باشه اینجا نداشت، تو مدرسه می‌تونست کنار دوستاش درساشو یاد بگیره و این قدر بهش سخت نگذره تا این که بیاد کنار من مادر، به بدبختی بهش بگم این درسو بخون و تکرار کن، فکر می‌کنم چقدر تو مدرسه محیط شادتری و تکرار بیشتری بوده از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ کنار معلم و دوستاش درس بخونه و ما این کارو تو دو ساعت مفید می‌تونستیم باهاشون انجام بدیم اصلاً بچه همکاری نمی‌کنه و خسته میشه، به خط می‌نوشت یا خیلی کم می‌خوند، بعد می‌خواست نیم ساعت استراحت کنه، چه بدبختیایی من کشیدم»

تعلیق تعاملات اجتماعی - عاطفی به این صورت است که فرزندان به دلیل آموزش مجازی و وضعیت بیماری کرونا، امکان حضور در فعالیتهای فراغت‌ساز را ندارند، ارتباطات با همسالان به حالت تعلیق درآمده است، با کادر مدرسه و دوستان، و فضای فیزیکی مدرسه آشنایی پیدا نکرده و مهارت‌های اجتماعی لازم برای یک دانش‌آموز پایه اول را نمی‌آموزند.

فریده: «روزای اول که فهمیدیم کرونا اومده خیلی ناراحت شدم به خصوص برای پسر من و ناراحت بودم که نمی‌تونه بره مدرسه رفتار اجتماعی رو یاد بگیره دوستاشو ببینه با معلمش از نزدیک آشنا بشه».

طیبه: «کاش می‌شد حداقل کلاس ورزشی میشد می‌فرستادمش خوب بود ولی این طوری خیلی سخت شده»

آموزش مجازی و حضور دائم در منزل باعث عوارض جسمی - روحی متعدد برای فرزندان می‌شود که از آن جمله: استرس، عدم تمرکز برای یادگیری درس، ناراحتی، کاهش انگیزه یادگیری و خستگی زود هنگام، عدم تحرک کافی، دسترسی آسان به تلفن همراه، عدم وجود

برنامه برای اوقات فراغت و درخواست از مادر برای بازی در اوقات فراغت که برای مادر نگران کننده می باشد.

ویدا: «یه جوری بود که بچه تمایل صد در صد نداشت که کار کنه تا دیروز داشته بازی می کرده، تو خونه هم از این خبرا نبوده حالا همش بگی بیا بشین بنویس بیا این تکلیفو انجام بده نمی تونه بچه خیلی خسته می شد».

مریم: «سرکلاسی آنلاین هنگ می کرد نمی تونست دیکته بنویسه اصلا سر کلاس استرس می گرفت، منم با معلمش صحبت کردم که دیکته کلاس آنلاین رو بعد از کلاس انجام بدیم و بفرستیم».

محاسن فرا آموزشی

با وجود تمام چالش ها و مشکلاتی که در این دوران مادران و فرزندان متحمل شده اند اما این دوران از نظر مادران محاسنی هم داشته است که فراتر از امر آموزش فرزندان بوده و مادران با مرور هشت ماه آموزش مجازی، محاسن آن دوران را هم می بینند. در روزهایی که آن ها به سختی و با تمام مشکلات مشغول آموزش فرزندان خود بودند متوجه این محاسن نبودند اما گذشت زمان آن ها را نشان داد.

یکی از این محاسن، درک اهمیت دوران قبل از کرونا، از جمله اهمیت نقش معلم در آموزش است؛ بدین صورت که مادران پس از تجربه معلمی، به اهمیت نقش معلم پی بردند. همچنین نسبت به شرایط قبل از کرونا و آرامشی که در آن دوران داشتند قدردان بودند، چرا که در آن دوران دغدغه و نگرانی بیماری خود و اطرافیانشان را نداشتند.

طیبه: «خوبیش این بود که قدردان معلم هستم که بچه ها رو درس می دهند واقعا این توانایی رو در خودم نمی دیدم بتونم خوب به پسرآموزش بدم»

ویدا: «یه خوبایی هم کرونا داشت این که فهمیدیم قبلاً ما چقدر راحت بودیم چه لحظات خوبی داشتیم»

محاسن عدم حضور در مدرسه، بیشتر خوابیدن بچه ها در صبح و اینکه قرار نبود صبح زود از خواب بیدار شده و به مدرسه بروند، این عدم رفت و آمد به خصوص در سرمای فصل زمستان به نفع بچه هاست، که مجبور نیستند در هوای سرد به مدرسه بروند و احتمال بیمار شدنشان هم

کمتر است. هم‌چنین عدم نگرانی والدین از رفت و آمد فرزندان به مدرسه و عدم تحمیل هزینه رفت و آمد به مدرسه هم بر والدین است.

ویدا: «خوبیاش / این بود که مثلاً تو زمستون هوا سرد بود مجبور نبودیم صبح زود بچه‌ها رو بیدار کنیم مدرسه و مهد ببریم»

مریم: «اون وقتی که پسر م مهد می‌رفت من همش نگران بودم سرویسش دیر کرده، باید منتظر می‌موندم ببینم کی میاد اما این نگرانی رو دیگه نداشتم»
حضور همسران و فرزندان در منزل، صرف‌وقت بیشتر توسط مادر برای فرزند و ارتباط نزدیک‌تر مادر و فرزند باعث بهبود کیفیت ارتباطی خانواده شده است.
فریده: «ارتباط نزدیک‌تری با بچه‌ها پیدا کردم».

زهرا: «یه خوبی داشت این بود که به اجبار وقت بیشتری با پسر می‌گذروندم»
حضور فرزندان در منزل علاوه بر این کاهش استرس ابتلا به بیماری در مدرسه، این نگرانی در مورد ابتلای سایر اعضای خانواده به دلیل حضور در منزل وجود نداشت.
فریده: «شاید تنها خوبی آموزش مجازی این بود که نگران مریض شدن خودم و بچه‌ها نبودم و همه در کنار هم بودیم».
زهرا: «با این بیماری، تو خونه باشن خیلی بهتره چون مدرسه می‌گفت باید یک ساعت وایسین تا بچه‌ها رو ببرین و توی اون مدت هرکسی یه چیزی می‌گفت و یه اضطراب به آدم دست می‌داد».

خلاصه و نتیجه‌گیری

همه‌گیری ویروس کرونا زندگی فردی و اجتماعی تمامی مردم جهان را تحت تأثیر قرار داد که یکی از آنها، تغییر شیوه آموزش از حضوری به مجازی بود. این تغییر در زندگی والدین به ویژه مادرانی که فرزندان در سنین ابتدایی داشتند، بسیار مشهود است. بنابراین پژوهش حاضر درصدد مطالعه روایت‌های مادران از این دوران بود. تم‌های اصلی به دست آمده بر اساس مصاحبه‌های میدانی عبارتند از: حمایت ناقص اطرافیان به ویژه نقش همسر در حمایت آموزشی و غیرآموزشی مادران که عمده‌تاً حمایت کاملی صورت نگرفته است؛ گرانبازی نقش حاصل از شغل خارج از منزل، خانه‌داری و نقش مادر - معلمی؛ فرسودگی مادران ناشی از مضيقه فراغت و تحلیل انرژی، پروبلماتیک فرزندان در آموزش مجازی در نتیجه تغییر محیط و شیوه یادگیری،

تعلیق تعاملات اجتماعی - عاطفی، عوارض جسمی-روحي، و محاسن فراآموزشی شامل: درک اهمیت دوران قبل، محاسن عدم حضور در مدرسه، بهبود کیفیت ارتباط در خانواده، عدم نگرانی از ابتلا به بیماری، است.

حمایت از مادران در امور آموزشی (کمک به فرزندان در انجام تکالیف و همراهی در کلاسهای آنلاین)، و حمایت غیرآموزشی (کمک در امور منزل و خانه‌داری)، یکی از موارد بسیار مهم از نظر مادران بوده است.

همزمان بودن شغل خارج از منزل، خانه‌داری و مادر- معلمی یکی از مواردی است که مادران با آن مواجه بوده‌اند و برای مدیریت آن، مادران شاغل بعد از ساعات کاری اولویت را به آموزش فرزندان خود داده و در این زمینه استرس زیادی را متحمل می‌شدند که با نتایج پژوهش کولاک و همکاران (۲۰۲۱) که نشان می‌دهند والدین نقش یک معلم جایگزین یک شبه را بر عهده گرفته‌اند. پژوهش کالارکو (۲۰۲۰) که به این امر اشاره دارد که زنان شاغل به دلیل فشارهای کاری و خانوادگی، برای مراقبت از فرزندان خود اضطراب بیشتری را متحمل می‌شوند، همچنین سایر مسائل مانند مشکلات با همسر، از دست‌دادن شغل، فشار کارهای منزل، مراقبت از کودکان و بیماری باعث احساس ناکامی مادران می‌شود و پژوهش گاربه و همکاران (۲۰۲۰) که به مشکل متعادل‌سازی مسئولیت‌ها و پژوهش دونگ و همکاران (۲۰۲۰) که به عدم آموزش والدین و عدم- آمادگی پذیرش آموزش آنلاین و پژوهش بهمنی، باقری و پیرک (۱۴۰۱) که به شکاف دانش والدین و محتوی کتب دانش‌آموزان اشاره دارد، نزدیک است. مادران به دلیل محدود شدن ارتباطات، نداشتن وقت مختص به خود، ایجاد اختلال در زندگی فردی و اجتماعی، و صرف وقت بسیار زیاد برای آموزش فرزندان به مرور به دلیل مضيقه فراغت و تحلیل انرژی احساس فرسودگی داشتند که با نتایج پژوهش شانالی (۲۰۲۰) که نشان می‌دهد نیمی از والدین احساس مسئولیت در مورد آموزش فرزندانشان در خانه را بیش از حد احساس می‌کنند و از هر پنج والدین دو نفر معیارهای افسردگی و اضطراب را دارند، نزدیک است.

از سوی دیگر فرزندان هم در آموزش مجازی با مسائل متعددی روبرو بوده‌اند که از آن جمله تعلیق تعاملات با همسالان، معلم و کادر مدرسه، کیفیت یادگیری و نداشتن انگیزه کافی است که این مساله، عوارض جسمی و روحی برای فرزندان ایجاد کرده است. لذا نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش بهمنی، باقری و پیرک (۱۴۰۱) که به یادگیری پایین، تغییر کیفیت تعامل دانش‌آموز و معلم در کلاس برخط می‌پردازد، پژوهش پوزاس و همکاران (۲۰۲۱) که به

قطع ارتباط اجتماعی دانش‌آموزان دبستانی، و چالش‌های آموزش در خانه به ویژه عدم جایگزینی فناوری با تعامل چهره به چهره و احساسات موجود در کلاس اشاره دارد، و پژوهش گاربه و همکاران (۲۰۲۰) که انگیزه یادگیرنده، قابلیت دسترسی و نتایج یادگیری را مهم می‌داند، هم‌راستا می‌باشد.

علی‌رغم تمامی مسائل و مشکلات آموزش مجازی، یک سری محاسن فراتر از بحث آموزش هم در این دوران مورد توجه مادران بود که از آن جمله، قدردان بودن نسبت به شرایط قبل و داشتن زندگی بدون دغدغه بیماری در آن دوران، بهبود کیفیت ارتباط خانوادگی در دوران کرونا به دلیل حضور بیشتر اعضای خانواده در کنار یکدیگر، نداشتن نگرانی ابتلا به بیماری بود. نتایج نشان می‌دهد با وجود تمام مسائلی که مادران مدنظر داشته‌اند زمانی که به دوران تحصیل و سختی‌های آموزش می‌نگرند؛ آن را یک نقطه قوت می‌بینند که از نتیجه‌ی آموزش فرزند خود راضی بوده و توانستند فرزندشان را به سطح مطلوب آموزشی برسانند. گرچه در ابتدای سال تحصیلی این استرس را داشتند که ممکن است نتوانند فرزندشان را به سطح مطلوب رسانده و گاهی اوقات این توانایی را در خود نمی‌دیدند که بتوانند با معلم همراه شده و فرزندشان را پیش ببرند اما توانستند این کار را انجام دهند. گاهی اوقات با آزمون و خطا پیش رفتند، گاهی از معلم مشورت و راهنمایی گرفتند و بعضی اوقات هم با مادران دیگر در فضای مجازی تعامل برقرار کرده و راه‌حلهایی که به نظرشان می‌رسید را به اشتراک می‌گذاشتند. مادران تمام وقت و تلاش خود را صرف آموزش کرده‌اند، وقت خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که حتی یک دقیقه هم از وقت آموزش فرزندشان را از دست ندهند و در آخر هم نقش معلمی خود را تمام شده نمی‌دانند بلکه از نظر آنان این نقش باید در تابستان هم ادامه پیدا کند تا فرزندان برای ورود به سال دوم آمادگی کامل داشته باشند.

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۹۸). *دستگاه نظری جورج هربرت مید بنیانگذار تفسیرگرایی آمریکایی*. کرج: دریای تنهایی، تهران: بهمن برنا.
- ابراهیمی سیده‌رضوانه؛ دهقانی، مریم (1399). "چرخش از کلاسهای حضوری به کلاسهای مجازی: چالشها، فرصتها و نحوه مواجهه دانش‌آموزان متوسطه اول با آن". *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*. دوره ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۲: ۱۶۸-۱۸۲.
- استونز، راب (۱۳۹۶). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه: مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.

بهمنی، سجاد، معصومه باقری و مژگان پیرک (۱۴۰۱). "واکاوی تجارب معلم‌ها و دانش‌آموزان استان لرستان پیرامون آموزش مجازی در بستر شبکه شاد (مطالعه کیفی با روش نظریه داده‌بنیاد)". *مجله مطالعات اجتماعی*، دوره شانزدهم، شماره ۲، ۲۷-۳.

دیلینی، تیم (۱۳۹۹). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. (ترجمه: بهرنگ صدیقی، وحید طلوعی). تهران: نشر نی.

ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۹). *مفاهیم کلیدی در نظریه جامعه‌شناختی پیربوردیو*. رشد آموزش علوم اجتماعی. ریاحی، محمداسماعیل، علی‌اکبر وردی‌نیا و سیده‌زینب پورحسین (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین حمایت-اجتماعی و سلامت روان". *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۹، ۸۵-۱۲۱.

فلیک، اووه (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نشر نی. قاسمی، یارمحمد و علی هاشمی (۱۳۹۸). انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام) *فرهنگ ایلام*، دوره ۲۰، شماره ۶۴ و ۶۵، ۸-۳۳.

میرزایی، خلیل (۱۳۹۵). *کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهش‌گری و پژوهش‌نامه نویسی*. تهران: فوژان. نیازی، محسن، محمد گنجی و الهام شفايي‌مقدم. (تابستان ۱۳۹۳). "بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر نگرش به طرحواره جنسیتی نقش‌های خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای زنان". *نشریه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، شماره ۳۹، ۸۱-۱۱۵.

Amanor-Mfoafo, Naa Kai; Olivia Akrofi, Kwamina Kurefi Edonu, Ebenezer Nortei Dowuona (2020). Investigating the e-learning readiness of Ghanaian parents during Covid-19. *European Journal of Education Studies*, 7, 39-56.

Bhamani, Shelina; Areeba Zainab Makhdoom, Vardah Bharuchi, Nasreen Ali, Sidra Kaleem, Dawood Ahmed (2020). Home Learning in Times of COVID: Experiences of Parents. *Journal of Education and Educational Development*, 7(1), 9-26.

Calarco, Jessica (Monday, October 26, 2020). *IU research says pandemic impacts increase stress, conflicts for many mothers*.

<https://sociology.indiana.edu/news-events/news/calarco-coronavirus%20article-iu.html>.

Dong, Chuanmei; Simin Cao, and Hui Li (2020 Nov). Young children's online learning during COVID-19 pandemic: Chinese parents' beliefs and attitudes. Elsevier Public Health Emergency Collection, Published online 2020 Sep 8.